

## مطالعه چگونگی تحول محیط یادگیری دانشگاه ایلام در دوران کرونا

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰

ماریا رحیمی<sup>۱</sup>

استادیار جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

لیلی رحیمی

کارشناس ارشد مدیریت، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

### چکیده:

این مطالعه به روش تحلیل مضمون برای بررسی چگونگی تحول محیط یادگیری و آموزش در دوران کرونا صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان آن استادان و دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی هستند که تعداد ۲۲ نفر از دانشجویان دختر و پسر مقاطع مختلف تحصیلی و ۸ استاد در مدارج مختلف علمی این دانشکده به‌عنوان نمونه‌ی آماری از طریق نمونه‌گیری هدفمند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق بوده است و داده‌های حاصل به روش کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه می‌توان تحول آموزش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی را در سه سطح تقسیم‌بندی کرد: (۱) سطح فنی (۲) سطح معنایی و (۳) سطح اثربخشی. این سه سطح در تشکیل «دانشستان» مجازی در دوران کرونا در این دانشکده با کمیت‌ها و کیفیت‌های متفاوتی همراه بودند.

واژگان کلیدی: آموزش الکترونیک، محیط یادگیری، روش کیفی، تحلیل مضمون، دانشگاه ایلام.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: maria.rahimi6@gmail.com

**A study of how the learning environment of Ilam University changes during the Corona era**

---

**Maria Rahimi<sup>1</sup>**

Assistant Professor of Cultural Sociology, Ilam University, Ilam, Iran

**Lili Rahimi**

Master of Management, Ilam University, Ilam, Iran

**Abstract:**

This study was carried out by thematic analysis method to investigate how the learning and teaching environment changes in the era of Corona. The participants are professors and students of the faculty of literature and humanities, 22 male and female students of different academic levels and 8 professors in different scientific degrees of this faculty as a statistical sample through purposeful sampling. have been reviewed. The data collection tool was in-depth interview and the resulting data were analyzed by coding method. Based on the results of this study, the evolution of education in the Faculty of Literature and Humanities can be divided into three levels: 1) technical level, 2) semantic level, and 3) effectiveness level. These three levels were associated with different quantities and qualities in the formation of the virtual "university" during the Corona era.

**Keywords:** e-learning, learning environment, qualitative method, content analysis, Ilam University.

---

<sup>1</sup> Corresponding author: maria.rahimi6@gmail.com

## مقدمه

به دنبال شیوع ویروس کرونا در ماه‌های آخر سال ۱۳۹۸ مصادف با ماه‌های اول سال ۲۰۲۰ میلادی، زندگی مردم جهان در ابعاد خصوصی و عمومی دچار اختلال شد. از جمله اختلالاتی که در این برهه‌ی زمانی رخ داد، تحول در نظام آموزشی بود. در نظام آموزشی دوران کرونا ارتباط چهره به چهره‌ی معلم و فراگیر به اجبار حذف شد و نوع دیگری از آموزش جای آن را گرفت. گفتنی است که آثار این تحول در «محیط یادگیری» در کشورهایی که بیشتر متکی بر آموزش سنتی بودند، نمود بیشتری داشت؛ چرا که نوع ارتباط بین معلم و فراگیر و نحوه‌ی انتقال دانش بین آن‌ها به صورت اساسی متحول شد و این تحول با مشکلاتی هم همراه بوده است؛ به این ترتیب یادگیری الکترونیکی محور اصلی در نهاد آموزشی همه کشورها در سراسر جهان پس از کرونا قرار گرفت؛ هر چند که در برخی کشورها از این روش تا قبل از کرونا هم استفاده می‌شد، پس از شیوع این بیماری استفاده از روش الکترونیکی در آموزش و یادگیری به یک ضرورت در دنیا مبدل گشت.

در مورد روش الکترونیکی در آموزش باید گفت که این روش نه تنها یک اصلاح تکنولوژیکی است؛ بلکه معنای جدیدی برای انتشار دانش، مهارت‌ها و همچنین ارزش‌ها به نسل جوان به شمار می‌رود. یادگیری الکترونیکی یا همان E-Learning با ویژگی‌هایی خاص از جمله تعامل بالا و حداقل محدودیت‌های زمان و مکان، شیوه‌ی یادگیری جدید را ایجاد کرد و جایگزین روشی شد که به مدت ۵۰۰ سال مورد استفاده قرار گرفته است. در حقیقت روش الکترونیکی در آموزش به یک حالت یادگیری مهم در عصر اطلاعات در دهه‌ی گذشته تبدیل شده است که در جهان به دنبال شیوع کرونا

از قابلیت‌های آن به اجبار استفاده شد (Deng et al., 2019).

در نظام آموزشی پس از کرونا، «محیط یادگیری» به استعاره‌ی جدید تبدیل شده است؛ لذا بررسی چگونگی تغییر محیط یادگیری در آموزش الکترونیکی و مطالعه چگونگی شناخت و ادراک یادگیرنده و یاد دهنده مبتنی بر فناوری اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است (Deng et al., 2019). شاید بتوان گفت که این استعاره جدید در دوران کنونی در نهاد آموزشی هر جامعه‌ای به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، به یک مسئله تبدیل شده است و جای مطالعه در ابعاد مختلف را دارد تا بتوان از قابلیت‌های آموزشی نوین به نحو مناسب بهره گرفت. گفتنی است که بررسی محیط یادگیری و آموزشی الکترونیک یقیناً با نتایج سودمندی همراه خواهد بود؛ چرا که در طی مطالعه کاستی‌های احتمالی شناسایی می‌شوند؛ - به طوری که بتوان از ظرفیت‌های این سیستم آموزشی در جهت بهبود آموزش فراگیران، کاهش هزینه‌ها و... بهره گرفت. ما هم در این پژوهش بر آن هستیم تا «تحول آموزش در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام در دوران کرونا» را مورد مطالعه قرار دهیم تا دریابیم که تغییرات آموزشی در این برهه‌ی زمانی در این دانشکده چگونه بوده است و روند یادگیری و آموزش در این «محیط تازه» به چه صورتی بوده است و از نتایج آن برای بهبود عملکرد آموزشی دانشگاه چه بهره‌هایی می‌توان گرفت.

همان‌طور که پیشتر هم اشاره کردیم، روش الکترونیکی آموزش برای ساخت تجربه‌ی یادگیری، از فناوری اطلاعات استفاده می‌کند که محدودیت‌های فضا-زمان در روش یادگیری انسان را که صدها سال از آن می‌گذرد، کنار می‌زند و فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای یادگیری و آموزش به

روش کیفی در مطالعات بهره گرفت؛ لذا در این مطالعه برای تحقق این هدف، روش کیفی را برگزیده‌ایم.

خلاصه آن‌که استفاده از روش آموزش الکترونیک فرصت مناسبی برای تولید و توزیع دانش با کیفیت بر مبنای پرورش دانشجویان فعال خواهد بود؛ اما علی‌رغم این‌که روش‌های آموزشی مبتنی بر فضای مجازی در سال ۲۰۰۵ از سوی یونسکو به‌عنوان مؤثرترین روش یاددهی-یادگیری معرفی شده است؛ ولی تا به حال از فرصت‌ها و مزایای این نوع روش یاددهی و یادگیری کمترین استفاده را در سطح آموزش به-ویژه آموزش عالی داشته‌ایم و کرونا باعث اجبار در استفاده از این سیستم یادگیری شد و اکنون زمان آن است تا با اصول علمی مناسب و انجام تحقیقات علمی، بسترسازی لازم صورت بگیرد و از این تهدید به‌عنوان فرصت بهره بگیریم که یقیناً از نظر هزینه‌ی این روش آموزش هم برای دانشگاه و هم برای دانشجو با بیشترین منفعت همراه است.

#### مبانی مفهومی و تجربی پژوهش

مطالعه‌ی یادگیری از چشم‌انداز فرهنگی، تأکید بر «تجارب و ادراکات اعضای جامعه و فرایندهای تعاملی ایجاد کننده و نگهدارنده این تجارب و ادراکات» است. انسان‌شناسان و قوم‌نگاران، علاوه بر تلقی فرهنگ به‌عنوان «عنصر مستقل موثر بر یادگیری»، آن را در معنایی تفسیری و محلی‌شده، به معنای «فرایندی که شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا در فعالیتهای جمعی مختلف حضور یابند»، به کار می‌برند. در این دیدگاه، فرهنگ «منبع واقع شدنی از دانش و تجربه است به‌گونه‌ای که یادگیرندگان برای درک جهان اجتماعی و مادی خود و مشارکت در آن، آن را به کار می‌گیرند». این چرخش در پژوهش‌های تفسیری-قوم‌نگاری در حوزه‌ی یادگیری در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از زمانی آغاز شد که پژوهشگران رویکرد خود را از فردگرایی و تبیین نشانه‌شناختی موفقیت و

ارمغان می‌آورد. در حقیقت «فناوری اطلاعات تأثیر انقلابی بر توسعه‌ی آموزش دارد» و یکی از نکات مهم درک این «تأثیر انقلابی» مطالعه درک و شناخت یادگیری و تغییرپذیری محیطی مبتنی بر فناوری اطلاعات است (Deng et al, 2019). که مطالعه‌ی آن به یک ضرورت تبدیل شده است. محققان می‌توانند تعامل پیچیده بین یادگیری و محیط را مورد مطالعه قرار دهند و تغییرات پویای یادگیری را با تأثیر محیط که دارای اهمیت زیادی است، توضیح دهند.

قابل ذکر است که تحقیقات موجود تأثیر فناوری اطلاعات را بر سبک یادگیری، ارتقای تغییر سبک تدریس و تأثیر عمیق بر عملکرد سازمان آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما اکثر این مطالعات تمایل به توجه به فناوری اطلاعات به-عنوان زمینه‌ی اصلی تغییر یادگیری دارند و فاقد تحلیل عمیق در روابط بین آن‌ها هستند؛ در حالی‌که باید دانست که برای تحقق واقعی فناوری در آموزش و استفاده از قابلیت‌های آن، لازم است تا عمیقاً به «تجربه» ناشی از آن تأمل شود و روند ترکیب آموزش و فناوری از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد (Deng et al, 2019). ما هم در این مطالعه برای بهره‌گیری بهتر از این فضا در بحث آموزش در دانشگاه ایلام ضرورت مطالعه‌ی آن را درک کرده و بر این اطمینان هستیم که نتایج این مطالعه با پیشنهادات و راهکارهای مفید برای ارتقای آموزش الکترونیک همراه خواهد بود. به-جرات می‌توان ادعا کرد که نتایج این پژوهش نه تنها برای دانشگاه ایلام بلکه برای سایر دانشگاه‌های کشور هم مفید خواهد بود؛ چرا که در خصوص مطالعه‌ی محیط یادگیری در آموزش الکترونیک و چگونگی فرایند یادگیری آن در کشور مطالعه چندان صورت نگرفته است؛ گفتنی است که همین مطالعات محدود هم حداکثر به روش کمی صورت گرفته‌اند در صورتی که نیاز است تا برای دستیابی به راهکارهای عملی و مناسب از

است. در طی فرایند یادگیری، فراگیران می‌توانند دانش و تجربه را ایجاد کنند. در این نظریه ساخت دانش به معنای باز سازماندهی دانش، استفاده از تجربه اصلی فراتر از اطلاعات ارائه شده و در نهایت تولید دانش جدید است. ساخت‌گرایی بر «یادگیری» تأکید می‌کند؛ در حالی که عین‌گرایی بر اهمیت «تدریس» تأکید می‌کند؛ به این ترتیب، VLC بهترین مکان برای استفاده از تئوری یادگیری ساخت‌گرایی یا ساختاریسم است (Deng et al, 2019).

#### نظریه‌ی یادگیری شناختی

ادوین هاگنز معتقد بود که شناخت نه تنها به موضوع شناخت بستگی دارد، بلکه شامل سایر اشیای شناختی، ابزارها و موقعیت‌ها نیز می‌شود. شناخت توزیع‌شده به «شناخت موجود در افراد، بین افراد، رسانه‌ها، محیط، فرهنگ، جامعه و زمان» اطلاق می‌شود. شناخت توزیع‌شده بر تعامل بین سوزده‌ها، محیط بیرونی و محصولات فرهنگی تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌کند که رشد و پیشرفت شناختی سوزده‌ها جدا از هم نیستند و آن‌ها یک روند دو جانبه هستند. تعامل دانش فردی افراد را قادر می‌کند تا دانش جدید و پیشرفته را به اشتراک بگذارند؛ بنابراین، VLC یک شناخت توزیع‌شده تیپیکال است (Deng et al, 2019). ما در نظریه‌ی وابستگی متقابل اجتماعی هم همین مبحث را داریم. شاید مهمترین نظریه‌ی روان‌شناسی اجتماعی برای حوزه‌ی آموزش و پرورش، نظریه‌ی وابستگی متقابل اجتماعی باشد. برای هر درسی، معلم باید تصمیم بگیرد که آیا اهداف یادگیری را به صورت تعاونی، یا رقابتی و یا به صورت انفرادی شکل دهد (Sharapour, 1394).

گفتنی است که نه فقط در حوزه‌ی آموزش و پرورش بلکه در هر وضعیت اجتماعی، افراد ممکن است برای نیل به اهداف متقابل به یکدیگر بپیوندند، یا با همدیگر رقابت کنند تا ببینند چه

شکست یادگیری، به شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی میان خانه و محیط آموزشی تغییر دادند. این مطالعات، فرهنگ و یادگیری را از یکدیگر جدا نمی‌داند بلکه یادگیری را فرایند «فرهنگ‌آموزی در تجارب متنوع اجتماعی» تلقی می‌کند؛ از این رو فرهنگ یادگیری به وجود مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و تجارب درون هر مؤسسه، گروه یا جامعه اشاره دارد که فرایند مستمر یادگیری را پشتیبانی می‌نماید (Kian et al, 1389). برخی از این نگرش‌ها و... در قالب نظریات علمی در دسترس پژوهشگران هستند تا به‌نحو مطلوب از آن‌ها استفاده کنند.

آن‌چه بیشتر در این مطالعه به عنوان مبانی مفهومی مد نظر است، نظریات مورد استفاده در VLC هستند که به‌عنوان راهنمای پژوهشگر عمل می‌کنند. مهمترین این نظریات که می‌توانند در این مطالعه مورد استفاده قرار گیرند، عبارت‌اند از: تئوری یادگیری سازنده‌گرایی و تئوری یادگیری شناختی. در حقیقت در روش تحقیق کیفی ادبیات مفهومی و تجربی برای آن است که محقق یا محققان با استفاده از مفاهیم بر گرفته از مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته، چراغ راهنما در دست داشته باشند و بتوانند در مسیر پژوهش با استفاده از طراحی سؤالات مرتبط، داده‌های غنی به دست آورند.

#### نظریه‌ی یادگیری ساختاریسم

این نظریه، نظریه‌ای مهم در VLC است. بر اساس اصول سازه‌گرایی، دانش توسط خودسازی دانش‌آموز از طریق تجربه و دانش پیشین و با استفاده از منابع یادگیری خارجی تولید می‌شود نه این که دانش از معلمان به دانش‌آموزان انتقال یابد. در این فرآیند، دانش‌آموزان موضوع هستند و معلمان راهنماهای تسهیل‌کننده آن‌ها به شمار می‌روند. در این حالت یادگیری شبیه به مشاوره

کسی بهترین است؛ یا به طور مستقل از دیگران عمل می‌کند؛ به این ترتیب دو نوع وابستگی متقابل اجتماعی وجود دارد: وابستگی مبتنی بر تعاون و مبتنی بر رقابت. تعاون زمانی پدید می‌آید که فرد درک کند که با دیگران چنان پیوند خورده که موفقیت او بدون موفقیت بقیه امکان‌پذیر نیست. کار او به نفع دیگران است و کار دیگران به نفع او؛ اما رقابت زمانی پدید می‌آید که ادارک فرد این باشد که او نمی‌تواند موفق شود مگر با شکست دیگران و برعکس. کار او سبب کاهش شانس موفقیت دیگران شده و کار دیگران سبب کاهش شانس موفقیت او می‌گردد. تلاش فردگرایانه زمانی پدید می‌آید که فرد چنین ادراک کند که موفقیت او هیچ ارتباطی با موفقیت و یا شکست دیگران ندارد (Sharapour, 1394).

مطالعات زیادی نشان داده‌اند که عمل کردن به صورت تعاونی در مقایسه با عملکرد رقابتی یا تلاش فردگرایانه، منجر به موفقیت بیشتر دانش-آموزان و برقراری روابط به مراتب مثبت‌تر بین آن-

ها شده است. همچنین سازگاری روانی، شایستگی‌های اجتماعی و عزت نفس بیشتری را برای دانش‌آموزان به دنبال می‌آورد. به این ترتیب لازم است به معلمان آموزش داده شد که چگونه کلاس درس‌ها را به صورت تعاونی، شکل دهند (Sharapour, 1394)؛ اما گاهی لازم است که برای تشکیل کلاس‌ها از فناوری استفاده کرد که بیشتر در مورد آموزش از راه دور و آموزش مجازی به کار می‌آیند.

زیرساخت‌های مورد نیاز یادگیری الکترونیکی برای اجرای یادگیری الکترونیکی در سطح نظام آموزشی باید به چند محور توجه شود: تمهید مقدمات، قلمرو عملیات، مراکز مجری، مدیریت و سازمان، مقاطع مورد عمل، برنامه درسی و نحوه اعطای مدرک رسمی. در جدول زیر محورها و زیرمحورهای لازم برای اجرای آموزش‌های الکترونیکی مشخص شده است (Atshak, 1386).

جدول: یادگیرنده در دو نظام آموزش سنتی و الکترونیکی

دانش‌آموز در نظام آموزش سنتی	فراگیر در نظام یادگیری الکترونیکی
دانش‌آموز حضور تمام وقت دارد	فراگیر با روش نیمه‌حضوری و غیر حضوری می‌آموزد
فاصله‌ی تحصیلی وجود ندارد	فاصله‌ی تحصیلی وجود دارد
فعالیت اصلی دانش‌آموز درس خواندن است	فراگیر معمولاً شاغل است
دانش‌آموز دغدغه جانبی کمتری دارد	فراگیر مشکلات اداره زندگی و مسائل روحی و جسمی دارد
تحصیل از روی عادت، اجبار یا انگیزه ضعیف انجام می‌شود	احساس نیاز، انگیزه تحصیل داوطلبانه را به وجود آورده است
نوعی اجبار با نظارت خانواده و محوریت معلم در یادگیری وجود دارد	خودگردانی در یادگیری و خود نظارتی وجود دارد
دانش‌آموز با محدودیت مکانی و زمانی مدرسه مواجه است	فراگیر از انعطاف موجود در نظام آموزشی برخوردار است
تفاوت فردی دانش‌آموزان اندک است	تفاوت فردی فراگیران زیاد است
دانش‌آموزان دارای سنین مشابهی هستند	فراگیران دارای سنین متفاوتی هستند
امر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌آموزان بر عهده دیگران است	فراگیر نیاز به خود مدیریت خود نظارتی و خود کنترلی دارد
فرایند یادگیری معلم محور است	فرایند یادگیری دانش‌آموز محور است
دانش‌آموز معمولاً به روش خاصی برای آموختن تکیه می‌کند	فراگیر ابزارهای متنوع و نوین آموزشی را برای آموختن به کار می‌گیرد
پیشینه‌ی تربیتی دانش‌آموزان ضمن برخورداری از انسجام آموزشی از تجربه تهی است	پیشینه‌ی تربیتی فراگیران متفاوت و معمولاً ضعیف است
دانش‌آموزان با یکدیگر مقایسه می‌شوند	نظام خود ارزشیابی وجود دارد

### معلم و تدریس

آموزش و پرورش را می‌توان فرایند شکل‌دهی به رفتار، تعریف کرد. در این فرایند، معلم فردی

ذکر این نکته مهم است که یادگیرنده در هر دو نظام آموزشی به معلم نیازمند است که باید در ادامه به این بحث هم وارد شویم.

این موقعیت تعارض به وجود آید؛ به این ترتیب احساس بی‌رمقی در آنها پدیدار می‌شود که خود دلیل مهمی برای عدم موفقیت معلم و دانش-آموز در اهداف‌شان به شمار می‌رود؛ به عبارت ساده، اگر بی‌رمقی رخ دهد اهداف آموزش و پرورش به خوبی محقق نمی‌شوند. باید دانست که اهداف آموزش و پرورش با هم متفاوت‌اند؛ بنا به اعتقاد اکثر کارشناسان باید دانست که آموزش جنبه‌ی رسمی، عمدی، برنامه‌ریزی شده، قصد شده و آشکار دارد؛ اما تربیت فرآیندی غیررسمی، غیرعمدی و درونی است؛ پس به دنبال بی‌رمقی یادگیرنده و یاددهنده، اهداف آموزش و پرورش بر روی زمین می‌مانند. در ادامه به همین اهداف دو گروه آموزش سنتی و الکترونیک می‌پردازیم.

مقایسه رویکردهای سنتی و الکترونیکی به

#### آموزش

Hopkins (۲۰۰۴) تفاوت‌های آموزش‌های سنتی و الکترونیکی را از جوانب مختلفی بررسی کرده است. در جدول زیر تفاوت‌های میان رویکردهای سنتی و الکترونیکی به آموزش درج شده است (Atshak, 1386).

جدول: مقایسه رویکردهای سنتی و الکترونیکی به آموزش

الکترونیکی	سنتی	رویکرد
کارگروهی	رقابت	تأکید بر
مدیریت و تولید دانش و حل مسئله	حفظ مطلب	وظیفه فراگیر
جامعه‌ی فراگیران	عالم و جاهل	رابطه‌ی معلم با فراگیر
انعطاف‌پذیر	استاندارد و از پیش مشخص شده	فرایند آموزش
سراسر شبکه	مدرسه و دانشگاه	محیط آموزش
هر زمان که اراده کنید	سال تحصیلی	زمان آموزش

و آن را برطرف می‌سازد؛ در حالی که در نظام آموزش سنتی یادگیرنده دانش‌آموز نام دارد که به دلیل فشارهای مختلف (خانوادگی، اجتماعی و...) آنچه را دیگران برای او مطلوب می‌دانند، به حافظه می‌سپارد (Atshak, 1386). در این‌جا به نوعی رابطه‌ی قدرت

است که به نگرانی و انتقال دانش می‌پردازد (Sharapour, 1394). گاهی معلمان در تدریسشان آنگونه که باید موفق نیستند. در این زمان است که اصطلاح «بی‌رمقی» در مورد آن‌ها به کار برده می‌شود. بی‌رمقی معلمان احساس از خودبیگانگی و بی‌علاقگی به تدریس است (Sharapour, 1394). پس می‌توان این‌گونه گفت که اولین بُعد آن احساس خستگی در فرد است. بُعد دیگر بی‌رمقی برمی‌گردد به این‌که فرد احساس می‌کند که دیگر به اهداف خود نائل نمی‌شود. سومین بُعد آن هم مربوط می‌شود به جدایی عاطفی معلم از مخاطبان خود یعنی دانش-آموزان. در این شرایط معلم دانش‌آموز را یک شی مایه‌ی رنجش می‌بیند و نه یک شخص ارزشمند (Sharapour, 1394).

در شرایط متفاوتی احساس بی‌رمقی در معلمان ممکن است بروز کند. گفتنی است که همین احساس بی‌رمقی به دلایل تقریباً مشابه در دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل هم ممکن است دیده شود؛ به عبارت ساده‌تر ممکن است که برای معلمان و دانش‌آموزان شرایطی پیش بیاید که بین انتظارات‌شان از کلاس درس و تجربه آن‌ها از

#### یادگیرنده در دو نظام آموزش سنتی و الکترونیکی

بررسی نقش یادگیرنده در دو نظام آموزش سنتی و جدید ما را در فهم تفاوت‌های میان این دو نوع نظام آموزشی یاری می‌رساند. Eikland (2005) بیان می‌کند که یادگیرنده در نظام یادگیری الکترونیکی فراگیر نام دارد که خود نیاز آموزشی‌اش را تشخیص می‌دهد

مهر البرز)» با روش پیمایش به بررسی میزان تعامل فراگیران در محیط یادگیری الکترونیکی آموزش عالی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که میزان تعامل دانشجویان در همه‌ی ابعاد تعامل در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد. این مطالعه نشان داد که تعامل دانشجویان با دستیاران آموزشی، محتوای آموزشی، استاد و دانشجویان به ترتیب دارای بیشترین تا کمترین رتبه است.

Mahdiun et al (1390) در مطالعه‌ای با عنوان «کیفیت یادگیری در مراکز آموزش الکترونیکی دانشگاهی؛ مطالعه‌ای کیفی» با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت یادگیری الکترونیکی در مراکز آموزش الکترونیکی کار خود را آغاز کرده‌اند. این محققان روش کیفی پدیدارشناسی را برای مطالعه‌ی خود انتخاب کرده‌اند. نتایج گویای آنست که ۱۱۷ گزاره مفهومی اولیه با ۱۷ مقوله‌ی فرعی و ۳ گزاره مقوله-ای اصلی تأثیرگذار بر کیفیت یادگیری در قالب عوامل علی بی واسطه، زمینه و شرایط محیطی شناسایی و روابط بین آن‌ها در قالب الگوی ساختاری ترسیم و ارائه شد.

Al-Farihat et al (2020) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی موفقیت سیستم‌های یادگیری الکترونیکی: یک مطالعه تجربی» عنوان کرده‌اند که یادگیری الکترونیکی نتیجه مستقیم ادغام فن‌آوری و آموزش است و ارزیابی سیستم‌های این نوع یادگیری برای حصول اطمینان از عملکرد مناسب آن‌ها را مورد تأکید قرار داده‌اند. در ابتدا این محققان بر اساس مرور مطالعات توانسته‌اند یک تصویر جامع ارائه دهند که در آن سطوح مختلف موفقیت در این روش آموزش را نشان دهند و علل موفقیت را هم مورد توجه قرار داده‌اند؛ سپس تعداد ۵۱۳ دانشجو در یکی از دانشگاه‌های انگلستان را که در سیستم یادگیری الکترونیکی مشغول به یادگیری بودند را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه ۷۱/۴ درصد دانشجویان از کیفیت سیستم فنی، کیفیت اطلاعات، کیفیت

وارد عرصه‌ی آموزش و پرورش می‌شود که در ادامه، این بحث را بیشتر می‌شکافیم.

در خصوص مبانی تجربی پژوهش حاضر هم در داخل و خارج از کشور مطالعاتی صورت گرفته است. از جمله Masoumi Fard (1398) در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه رابطه‌ی انواع تعامل در یادگیری الکترونیکی با کیفیت یادگیری مشارکتی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش محیط زیست» به پیچیدگی‌های نحوه تعامل و کیفیت مشارکت در یادگیری پرداخته است. این مطالعه که به صورت پیمایش انجام گرفته است به این نتایج رسیده است که میان انواع تعامل (استاد - دانشجو، دانشجو - دانشجو، دانشجو - استاد، استاد - استاد) با کیفیت یادگیری مشارکتی در آموزش الکترونیکی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد. در ضمن محقق در قالب نتیجه‌ی پژوهش عنوان کرده است که تعاملی که میان دانشجویان برقرار می‌شود تضمین‌کننده کیفیت یادگیری مشارکتی در آموزش الکترونیکی است.

Ghasemi et al (1397) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی سیستم یادگیری الکترونیکی آموزش پزشکی» برای مطالعه موردی دانشکده‌ی آموزش پزشکی» برای کارآمدی سیستم یادگیری الکترونیکی انجام داده‌اند. این محققان با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی مشکلات پیش روی این سیستم را شناسایی کرده‌اند. در نهایت با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی و با مقایسه مستمر کدهای به دست آمده، ۷ مقوله و ۳۵ زیر مقوله به دست آمد و ارزیابی سیستم یادگیری الکترونیکی دانشکده آموزش پزشکی تحت عنوان ۷ مقوله اصلی، دانشجو، استاد، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، فناوریانه، فنی، طبقه‌بندی شدند.

Mustafavi et al (1395) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی میزان تعامل دانشجویان در محیط یادگیری الکترونیکی (مورد مطالعه: مؤسسه‌ی آموزش عالی



دانشجویان این دانشگاه را با روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس نتایج به دست آمده در این مطالعه، چالش‌های موجود در روند یادگیری الکترونیک در ۱۳ طبقه تقسیم‌بندی شدند؛ در نهایت هم این پژوهشگران عنوان کرده‌اند که شناخت چالش‌ها و موانع موجود در مورد ایجاد آموزش الکترونیکی در آموزش عالی ایران و ارائه راه-حلهای عملی برای آنها باعث توسعه‌ی این نوع آموزش و در نتیجه تعالی سیستم آموزشی در ایران خواهد شد.

El Sood et al (2014) در مطالعه‌ای با عنوان «یادگیری الکترونیکی و انگیزه‌ی دانشجویان: یک مطالعه در مورد تأثیر یادگیری الکترونیکی بر آموزش عالی» که در مصر انجام گرفته است، گفته‌اند که در اکثر دانشگاه‌های این کشور مشکلات و موانعی وجود دارد که فناوری می‌تواند بر آنها غلبه کند. این محققان عنوان کرده‌اند که منابع باز از قبیل پلت فرم یادگیری الکترونیکی Moodle در بسیاری از دانشگاه‌های مصر اجرا و مورد استفاده قرار گرفته است و از این رو این پلت فرم را مورد بررسی قرار داده‌اند تا متوجه شوند که تأثیر آن در رفع مشکلات دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی چگونه بوده است. پژوهشگران این مطالعه عنوان کرده‌اند که از مدل می‌توان به عنوان ابزاری برای ارائه محتوای الکترونیکی و فراهم آوردن امکانات مختلف برای اجرای مازول‌های مبتنی بر وب ناهمزمان استفاده کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از ویژگی‌های تعاملی یادگیری الکترونیکی باعث افزایش انگیزه دانشجویان کارشناسی‌ارشد برای فرایند یادگیری می‌شود.

جمع‌بندی مبانی مفهومی و تجربی پژوهش شاید بتوان گفت که نهادینه شدن تئوری ساختاریسم در دانشگاه‌ها باعث فعال شدن دانشجویان خواهد شد و این‌گونه نیست که دانشجو

خدمات، کیفیت سیستم پشتیبانی، کیفیت یادگیرنده، کیفیت مربی راضی بودند و این نتیجه نشان‌دهنده میزان بالای رضایت یادگیرندگان از سیستم الکترونیکی بود.

(Deng et al, 2019) در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت دانش و یادگیری الکترونیکی در اجتماع یادگیری مجازی بر اساس آنالیزهای شبکه اجتماعی» با این هدف کار خود را آغاز کرده‌اند که می‌خواهند اصول اساسی یادگیری الکترونیکی و مشکلات موجود در آن را دریابند. این محققان این هدف را مهم ارزیابی کرده‌اند؛ چرا که شناخت یادگیرنده بر اساس فناوری اطلاعات را دارای اهمیت ویژه تلقی کرده‌اند. این پژوهش دارای رویکردی کیفی بوده است و از مبانی مفهومی و مبانی تجربی در فرایند پژوهش بهره گرفته‌اند. این پژوهشگران بر اساس مطالعه خود دریافته‌اند که اجتماع یادگیری مجازی به ساخت مناسب دانش کمک کرده است و مسیر همگرایی هوش جمعی را هموار کرده است. از دیگر نتایج این مطالعه آن بود که فراگیران احساس تعلق اجتماعی خوبی در مسیر یادگیری داشتند و فرایند مشارکت در ساخت و توزیع دانش از حاشیه به مرکز بوده است.

Shafie Sarvestani (2019) در مطالعه‌ای با عنوان «یادگیری الکترونیک در آموزش عالی: برخی جنبه‌های کلیدی و روابط آنها با رویکردهای مطالعه» که به زبان انگلیسی منتشر شده است عنوان کرده‌اند که ظهور و استفاده از آموزش الکترونیکی یکی از مهمترین دستاوردهای فناوری در ایران بوده است که با مشکلات و دغدغه‌های زیادی همراه بوده است و نیاز است تا با انجام مطالعات گسترده به رفع این دغدغه‌ها کمک کرد. هدف از این مطالعه، بررسی تجربی دانشجویان در مورد چالش‌های یادگیری الکترونیکی در دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز (SUMS) بود. محققان این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تعداد ۱۰ نفر از

برای رسیدن به موفقیت در بحث آموزش و یادگیری به شمار می‌روند و در مطالعات اشاره شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به‌عنوان تابلوهای راهنما در مسیر مطالعه خود بهره می‌گیرد و حساسیت‌های مفهومی لازم در خصوص آن‌ها را مد نظر دارد.

### روش تحقیق

تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با هدف کمی‌سازی به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعاملات شفاهی گردآوری می‌شود و متمرکز بر معانی و تفاسیر ارائه‌شده مشارکت‌کنندگان در آن است. در این نوع تحقیق، اطلاعات با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر متنی و اجتماعی به دست می‌آید (Tayyibi Abolhasani, 1398).

در این مطالعه تحلیل تماتیک مورد نظر قرار گرفته است. تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف است که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌ها است. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت گیرد؛ به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (Mohammad Pur, 1392). در حقیقت تحلیل تماتیک یک روش مناسب برای درک مجموعه‌ای از تجارب، افکار یا رفتارها در یک مجموعه داده است و از آنجایی که برای جست‌وجوی معانی مشترک یا معمول طراحی شده است، برای بررسی معانی یا تجربیات منحصر به فرد مناسب است (Kiger and Warpio, 2020).

نمونه‌گیری در پژوهش کیفی سعی در تعیین گروه‌های ویژه‌ای دارد که دارای ویژگی‌هایی هستند و یا در موارد مشابهی از پدیده‌ی اجتماعی مورد پژوهش زندگی می‌کنند. شرکت‌کنندگان بدان دلیل انتخاب می‌شوند که قادر به کشف دیدگاهی

منتظر دریافت علم از استاد طی سال تحصیلی باشد، بلکه استاد راهنمای او در مسیر است؛ به عبارت ساده‌تر دانشجو از حالت منفعل بودن خارج و فعال می‌شود و استاد هم برای هموار کردن مسیر در دسترس او است. محیط یادگیری الکترونیکی شاید بهترین فرصت باشد که دانشجو را به حالت فعال درآورد و از مزایای تئوری ساختاریسم در آموزش و پرورش استفاده کرد؛ بر این مبنا می‌خواهیم ببینیم در سیستم آموزش الکترونیک دانشگاه ایلام، چقدر این هدف محقق شده است و یا در صورت عدم تحقق چه راهکارهایی نیاز است تا محقق شود و بتوان دانشجویان را با کیفیت بالا تحویل جامعه داد؛ از طرف دیگر پرورش این دست دانشجویان بی‌شک برای دانشگاه‌های آموزش‌دهنده امتیازآور خواهد بود.

در این مطالعه از نظریه یادگیری شناختی هم در راستای مطالعه چگونگی تعامل سوژه (استاد و دانشجو) با محیطشان در فرایند یادگیری و نتیجه کار آن‌ها، برای بررسی وضعیت دانشجو و استاد در آموزش الکترونیک بهره می‌گیریم و همین‌طور در روند بررسی چگونگی تحول محیط یادگیری از آن استفاده می‌شود.

تعاملات خرد بین استادان و دانشجویان، روابط قدرت در آموزش، بی‌رمقی استادان و دانشجویان هم از جمله کلیدواژه‌های مورد توجه محققان در مسیر مطالعه هستند.

یقیناً نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته در حوزه‌ی موضوع پژوهش حاضر که به برخی از آن‌ها اشاره شده است، چراغ راهی خواهند بود تا بتوان تمامی ابعاد این تحول آموزشی را مورد سنجش قرار داد و در نهایت از دل کار به پیشنهادات و راهکارهای مناسب برسیم. از جمله پژوهشگر در پژوهش حاضر در مورد «تعامل استاد و دانشجو»، «کیفیت محتوای مواد آموزشی»، «تعامل دانشجویان با هم»، «یادگیری مشارکتی» که مهمترین فاکتورها

گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود؛ بنا به این روال ما نیز در این پژوهش در کنار مرور منابع مرتبط، تکنیک مصاحبه را برای گردآوری داده‌ها در نظر گرفتیم که به صورت عمیق و نیمه ساختاریافته صورت گرفت. جهت انجام مصاحبه عمیق با توجه به مفاهیم مرتبط به پژوهش حاضر که در طی مطالعه منابع نظری و تجربی به آن‌ها رسیده‌ایم با پرسش‌هایی کلی وارد میدان مطالعه شده و در جریان مصاحبه سؤالات مرتبط به اهداف پژوهش از فرد مد نظر پرسیده شد؛ به این ترتیب مسیر گردآوری داده‌ها را پیش بردیم و تا آن‌جا به گردآوری داده پرداختیم که دیگر داده تازه‌ای به دست نیاید و به اصطلاح به اشباع نظری رسیدیم.

گفتنی است که هر مصاحبه به‌طور میانگین ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامد؛ به همین علت محققان در زمان هماهنگی برای انجام مصاحبه، به مصاحبه‌شونده تأکید می‌کردند که یک زمانی را برای انجام مصاحبه اختصاص دهند که درگیر کار دیگر نباشند و وقت‌شان را به محققان اختصاص دهند. مصاحبه‌ها هم اغلب در محل کار و یا در پارک‌ها صورت گرفتند. گفتنی است که شرایط حاصل از بیماری کرونا و تعطیلی‌های مکرر ناشی از این بیماری باعث شد تا روند انجام مصاحبه‌ها طولانی شود.

### یافته‌های تحقیق

از آنجایی که این مطالعه در بین دانشجویان و استادان صورت گرفته است، تحلیل داده‌ها هم در دو بخش ارائه می‌شوند:

#### نتایج برگرفته از مصاحبه با دانشجویان

#### نا هم‌وزنی کمیت و کیفیت در تحول آموزش در دوران کرونا

از نظر دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام، اقدام به راه‌اندازی دوره‌های آموزش الکترونیک توسط این دانشکده از لحاظ کمی

مشخص از رفتار مربوط به پژوهش هستند (Jalali, 1391) در این مطالعه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر است؛ به عبارتی ساده‌تر دانشجویان و استادان این دانشکده جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر هستند. روش نمونه‌گیری هم نمونه‌گیری هدفمند بوده است. نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی، انتخاب آگاهانه افراد یا عناصر مشخص برای پژوهش توسط پژوهشگر است. در این روش شرکت‌کنندگان توسط پژوهشگر دست‌چین می‌شوند؛ چرا که یا به صورت مشخص دارای ویژگی و یا پدیده‌ی مورد نظر هستند و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص هستند. این روش بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خیره است (Jalali, 1391). کورتیس و همکارانش با اشاره به نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش‌های کیفی و عدم انتخاب نمونه‌ها بر اساس احتمالات آماری، مواردی همچون کم بودن نمونه‌ها، بررسی کامل نمونه، کثرت اطلاعات هر نمونه، عدم انتخاب نمونه پیش از شروع مطالعه و انتخاب آن‌ها به صورت تبعی (پی در پی) را به عنوان اصول نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی یادآوری نمودند (Jalali, 1391). کار نمونه‌گیری در این پژوهش تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷).

در این مطالعه در مجموع با ۲۲ دانشجوی دختر و پسر در مقاطع مختلف تحصیلی مصاحبه صورت گرفت. ۸ استاد (استادیار، دانشیار و استاد تمام) نیز به عنوان نمونه‌ی آماری این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند.

در هر پژوهشی بنا به نوع روش آن از انواع مختلف ابزارها و یا ترکیبی از ابزارهای گوناگون برای

است که اکثر دانشجویان به حجم استفاده از «اینترنت» برای اتصال به سیستم آموزش الکترونیک دانشگاه اشاره کردند. همه‌ی آنها از سرعت اینترنت و از هزینه‌های برقراری جهت آنلاین شدن شکایت داشتند. این دست موارد، مسائلی هستند که در بحث ساختاری آموزش الکترونیک قابل دسته‌بندی هستند.

#### ایجاد فاصله میان سواد اطلاعاتی دانشجو و استاد

در ابتدای بحث در مورد این نتیجه به دست آمده باید اشاره کرد که: منظور از سواد اطلاعاتی مجموعه مهارت‌هایی است که فرد را قادر می‌سازد نیاز اطلاعاتی خود را تشخیص دهد، با شناسایی منابع اطلاعاتی موجود به تدوین روش جستجو در این منابع پرداخته و پس از انجام جستجو اطلاعات به دست آمده را ارزیابی کرده و به منظور تولید اطلاعات جدید پیوند لازم بین اطلاعات جدید را با دانش قبلی خود برقرار سازد (ویکی پدیا).

در آموزش الکترونیک، ارتباط چهره به چهره استاد و دانشجو از بین می‌رود و همین هم باعث می‌شود سواد اطلاعاتی که در بحث‌ها و گفتگوهای علمی، نقد و نشست‌ها در این مورد شکل می‌گیرد، امکان بروز نیابد. به این ترتیب «قدرت نقد» در دانشجو به حداقل ممکن می‌رسد و از نظر علمی این عایدی خوبی به شمار نمی‌رود. بحث و انتقاد کردن و رفع ابهامات در هر حوزه‌ای از جمله در علم، باعث رسیدن به واقعیت و کشف حوزه‌ها و مسایل جدید می‌شود و این‌ها در مجموع پیشرفت علمی یک جامعه را به دنبال دارند؛ به این ترتیب نبود ارتباط مستمر همچون تعاملات چهره به چهره پیش از کرونا با استاد، از بین رفتن اجتماعات علمی به دلیل قرنطینه‌ی ناشی از این بیماری و از بین رفتن روحیه-ی نقد و بررسی علمی در دانشجویان، زنجیره‌های متصل به هم در یافته‌های این مطالعه به شمار می‌روند. برخی از دانشجویان هم بر این اعتقاد بودند که اگر استادان «وقت بگذارند» و به صورت مجازی

و ساختاری مناسب بوده است؛ اما اغلب دانشجویان از کیفیت این دوره‌ها رضایت لازم را نداشتند.

«... بنا به این که قبلاً فقط آموزش حضوری داشتیم، تبدیل ضروری آن به آموزش الکترونیک بسیار مناسب بود؛ اما حقیقتاً دارای ایراداتی است که کیفیت آموزش را پایین آورده...» (دانشجوی ۲۶ ساله مقطع کارشناسی ارشد).

از نظر بسیاری از دانشجویانی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، مسئله اساسی حتی قبل از «آموزش دانشجویان» در آموزش مجازی و انجام کارها به صورت الکترونیک، «آموزش استادان» و «آموزش پرسنل» است.

«به نظر من باید استادان و بخصوص کارکنان آموزش با فناوری اینترنت در انجام کارها آشنا شوند... من و سایر دوستانم در انجام کارها با کارکنان مشکل داشتیم... بلد نبودند چطور باید کارها را انجام دهند...» (دانشجوی ۲۴ ساله کارشناسی).

«... برخی از استادان با فناوری به‌خوبی آشنایی داشتند؛ اما برخی واقعا هیچ از اینترنت و فناوری در تدریس نمی‌دانند و باید آموزش داده شوند...» (دانشجوی ۳۰ ساله دکتری).

بنا به نتایج به دست آمده، در بحث آموزش، «بی-تجربگی» برخی استادان در استفاده از فناوری در تدریس باعث شده بود تا دانشجویان نسبت به برقراری مباحث علمی با این دست استادان دلسرد شوند و این دلسردی باعث کاهش کیفیت «دانش تولید شده» و «دانش دریافت شده» استاد و دانشجو خواهد بود؛ به این ترتیب «یادگیری دانشجو» در آموزش الکترونیکی به یک مسئله تبدیل می‌شود که مسئله کم‌اهمیتی هم نیست؛ چرا که ایران یک جامعه‌ی در حال توسعه است و به دانش‌آموخته‌های ماهر نیاز مبرم دارد تا بتواند به درستی مسیر توسعه را طی کند.

نکته‌ی مورد بحث دیگر دانشجویان که در بحث کمیت و کیفیت تحول آموزش قابل ذکر است آن

دانشجویان فعالیت‌های کلاسی دارند که باعث می‌شود نمره پایانی خود را تقویت کنند... این امکان در آموزش الکترونیک از سوی استادان نادیده گرفته می‌شود یا کمرنگ است...» (دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی).

به این ترتیب و با رجوع به نتایج حاصل شده می‌توان گفت که تست‌ها و کوییزها و مشکل نمره‌دهی در آموزش الکترونیکی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام برای دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی به صورت مسئله‌ای حل‌ناشده و یا دست‌کم مسئله‌ای با ایرادات تقریباً زیاد باقی مانده است. مطابق با مصاحبه‌های صورت گرفته شاید بتوان گفت که ارزشیابی‌های تکمیلی در زمان برگزاری دوره تا حدی کیفیت نوع ارزیابی‌ها و مشکل نمره‌دهی را برطرف کند؛ اما به اعتقاد برخی از دانشجویان «سلیقه‌ای عمل کردن استادان» مانعی بزرگ در جهت تحقق این کیفیت مهم است.

مسئله‌ی دیگر مورد اشاره همه دانشجویان مورد مصاحبه بحث «تقلب در آزمون» بود که با «هویت دانشجوی» در زمان برگزاری آزمون مربوط بود. مسئله هویت دانشجویان در آموزش الکترونیک در ترم طی شده در دوران بحران کرونا از دید دانشجویان مورد مصاحبه هنوز حل نشده باقی مانده است. گفتنی است که مسئله‌ی هویت دانشجویی در آموزش الکترونیک و آنلاین از جمله مسائلی است که تمرکز لازم بر آن صورت نگرفته است (Seamandis, 2015).

#### فرمول جدید در آموزش عالی پس از کرونا

مطابق با نتایج به دست آمده در این مطالعه که شاید بتوان ادعا کرد در سایر دانشگاه‌های کشور هم مطرح باشند، در حال حاضر آموزش‌های الکترونیکی به‌ویژه در بعد کیفی از نظر دانشجویان راضی‌کننده نیستند و نیازمند باز تعریف‌های زیادی در حوزه‌های مختلف هستیم.

مانند شرایط حضوری با دانشجویان مباحثه‌ی علمی داشته باشند و نشست‌های نقادانه با حضور همه‌ی دانشجویان برگزار کنند و پاسخ‌گوی ابهامات علمی-شان باشند، یقیناً می‌توان فاصله سواد اطلاعاتی بین استاد و دانشجو را به حداقل ممکن رساند.

«... برگزاری نشست‌های علمی آنلاین شبیه نشست‌های علمی حضوری نیاز به اختصاص وقت از سوی استادان دارد... اما در صورت برگزاری بسیار تأثیرگذار هستند...» (دانشجوی ۳۱ ساله دکتری).

#### دغدغه همیشگی دانشجو: امنیت سنجش و ارزشیابی

از جمله مهمترین دغدغه‌های فکری در نظام آموزش ایران و جهان دریافت نمره‌ی مطلوب است. در حالت آموزش چهره به چهره، ارزشیابی‌های سنتی آموزش در کنار برخی فعالیت‌های پژوهشی بویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی باعث دریافت نمره‌ی قبولی مورد نظر دانشجو می‌شد؛ اما این وضعیت در آموزش مجازی و الکترونیکی بنا به تحول در نوع ارزشیابی‌ها و عدم شفافیت در این خصوص، دچار تحول شده است. اغلب دانشجویان نگران چگونگی دریافت «نمره قبولی مطلوب» در این سیستم هستند. از آنجایی که برخی امتیازات در مورد میزان معدل بالا باعث ایجاد دسترسی‌های خاصی از قبیل ورود به مقطع بالاتر بدون کنکور و... برای دانشجویان می‌شود، میزان این حساسیت بیشتر هم می‌شود. به این ترتیب به نوعی «فضای رقابت» در حالت آموزش غیر حضوری با ابهاماتی مواجه شده است. دانشجویان مورد مصاحبه نیاز به «مدیریت استادان در ارزیابی‌ها» را مهم تلقی کردند تا در یک فضای عادلانه به مانند شرایط حضوری، دانشجویان بتوانند با هم رقابت علمی داشته باشند.

«... ما در مورد سیستم ارزشیابی دانشجو به صورت الکترونیک واقعا احساس می‌کنیم که حق برخی از دانشجویان فعال ضایع می‌شود... بعضی از

خالی است که باید اطلاعات لازم برای یادگیری در اختیار او قرار گیرد. بر این اساس برخی از استادان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تمام تلاش خود را صرف بارگذاری بهترین مطالب علمی برای دانشجویان کرده‌اند تا بتوانند صفحه سفید وجود دانشجویان را با مطالب غنی پر کنند.

از طریق این نوع تعامل، انجمن‌های جدید ایجاد می‌شوند؛ بنابراین یادگیری رخ می‌دهد. در حقیقت به اعتقاد این دسته از متخصصان علم و دانش، یادگیری زمانی حاصل می‌شود که محرک ارائه شده رفتار را تغییر دهد.

برخی از استادان هم تلاش داشتند تا در محیط جدید یادگیری، دانشجویان را وادار به انجام فعالیت‌های علمی بیشتر کنند. این دسته از استادان را شاید بتوان در دسته شناخت‌گرایی گنجانند. بر خلاف رفتارگرایی، شناخت‌گرایی بر این ایده متمرکز است که دانش‌آموزان اطلاعاتی را که دریافت می‌کنند پردازش می‌کنند و فقط وظیفه پاسخ دادن به محرک را ندارند.

به این ترتیب استادان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام را می‌توان در دو گروه استاد رفتارگرا و استاد شناخت‌گرا تقسیم‌بندی کرد. در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه با آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کیفیت آموزش کرونایی: تجربه‌ی نو اما ناقص در تحلیل داده‌های پژوهش باید گفت که علی‌رغم آن که روش تدریس الکترونیک در دوران کرونا به روش اصلی تدریس تبدیل شده است؛ اما هنوز استادان دانشکده در «همه‌نگ کردن» خود با این روش به موفقیت صد در صدی نرسیده‌اند.

«... راستش را بخواهید من در انتقال مفاهیم به صورت آنلاین راحت نبودم... بعضی وقت‌ها جای تخته برای نوشتن را کم داشتم...» (استاد ۴۹ ساله). در کل، استادان روش آموزش الکترونیک را یک روش جدید می‌دانستند که برای آن‌ها بسیار

تا حدی می‌توان مدعی شد که شرایط اضطرار ناشی از شیوع کرونا و مشکلاتی از قبیل نبود زیرساخت‌های لازم، عدم آشنایی استادان و دانشجویان در کار با فناوری مرتبط با یادگیری و یاددهی و... باعث بروز این عدم رضایت شده است. اما زمان آن فرا رسیده است که آموزش الکترونیکی از حالت اضطرار در شرایط موقت بیرون بیاید و زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مرتبط با آموزش مجازی توسعه داده شوند. توسعه دادن زیرساخت‌های تکنولوژیکی بعد از کرونا هم سودمند خواهند بود چرا که می‌توان آموزش حضوری را با آموزش مجازی گره داد و یادگیری ترکیبی را شکل داد. این نوع یادگیری بهترین گزینه به‌ویژه در آموزش عالی به‌شمار می‌رود. منظور از آموزش ترکیبی، رویکردی جدید در برنامه‌ریزی آموزشی است که از ترکیبی از وسایل و تجهیزات الکترونیکی و حضوری و همچنین ترکیبی از شیوه‌های دانشجوی محور و استاد محور استفاده می‌شود که نتیجه‌ی آن تولید دانش با کیفیت است. این فرمول جدید به‌طور ویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی مورد نیاز است تا در شرایط اضطرار هم بتوان آن‌ها را به‌نحو مطلوب آموزش داد. در این پژوهش این دانشجویان نیاز به حضور بیشتر در دانشگاه داشتند تا از امکاناتی مانند کتابخانه و... بتوانند استفاده کنند؛ اگر شرایط مهیا شود این دست دانشجویان هم هیچ مشکل آموزشی و پژوهشی نخواهند داشت.

#### نتایج برگرفته از مصاحبه با استادان

#### دسته‌بندی استادان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام بنا به روش تدریس‌شان

در ابتدای این بخش باید گفت بر مبنای نتایج به دست آمده رفتار برخی از استادان در آموزش دوران کرونا را شاید بتوان به‌نوعی در رده‌ی رفتارگرایی گنجانند. در مورد رفتارگرایی باید بدانید که مبتنی بر این ایده است که دانش مستقل از یادگیرنده است. در ذهن یک متخصص رفتار، یادگیرنده یک صفحه

«ووابستگی متقابل» بین دانشجو با دانشجو و دانشجو با استاد در حالت آموزش الکترونیک در کمترین حد خود قرار گرفته بود؛ اما علی‌رغم این مسئله، این نکته مهم هم باید ذکر شود که به اعتقاد برخی از استادان نوع پرورش دانشجو دچار تحول شده است. در دوران پیش از کرونا استادان علم را همچون لقمه‌ی آماده در اختیار دانشجو قرار می‌دادند و به قولی در پرورش دانشجوی «بانک‌مانند» موفق عمل می‌کردند؛ اما در دوران کرونا استادان با پرورش نوعی دیگر از دانشجو مواجه شدند. در آموزش الکترونیک دانشجویان مجبور به تلاش بیشتر می‌شوند چرا که زمان برای آن‌ها در مقایسه با حالت آموزش حضوری محسوس‌تر است. از جمله با انجام زمان‌مند تکالیف، دانشجو برای ایجاد بازخورد مناسب، مجبور به تلاش بیشتر در مرز زمانی مشخص می‌شود. شاید بتوان گفت که آموزش و پرورش مبتنی بر گفت‌وگو در دوران کرونا در حال دانشگاه نهادینه شده است.

در مورد برگزاری کلاس‌ها و ارائه‌ی مطالب مرتبط علمی اعتقاد استادان بر این بود که در کلاس حضوری شاید استاد کل زمان تدریس را به صحبت در مورد مطالب علمی اختصاص ندهد و مطالب خارج از کلاس هم عنوان شوند؛ اما در روش الکترونیک تمام زمان کلاس صرف بحث در مورد مطالب درسی می‌شود و این به نظر استادان دانشکده یک نکته مفید بود؛ اما نکته منفی آموزش الکترونیک در این مورد این بوده است که گاهی ممکن است تعهد استاد در روش الکترونیک به بازگذاری متون محدود شود که نتیجه آن عدم ارائه‌ی مطالب مفید و به روز است. باید دانست که صرفاً ارائه متون بدون فایل صوتی و بدون بازگذاری کلاس آنلاین، دانشجویان را به مرز مناسب آموزشی نمی‌رساند.

«متفاوت» از روش آموزش سنتی و چهره به چهره بود. «... به نظر من انتقال مفاهیم به صورت الکترونیک کار متفاوت اما جدید بود...» (استاد ۳۹ ساله).

در جدید بودن روش آموزش آنلاین همه استادان هم نظر بودند اما در چگونگی تدریس نگرانی‌هایی برای آنها وجود داشت که بتوانند مطالب را به‌نحو مناسب به دانشجویان منتقل کنند.

«... من بیشتر نگران چگونگی تدریس در روش الکترونیک بودم... منظورم آن است چگونه مطالب باید به دانشجو منتقل شوند و...» (استاد ۵۲ ساله).

شاید بتوان گفت که استادان دانشکده ارتباط چهره به چهره در آموزش را بسیار مؤثر می‌دانستند؛ چرا که در این روش از حضور دانشجویان اطمینان کامل دارند و عکس‌العمل آن‌ها را در زمان تدریس می‌بینند و به پرسش‌های آن‌ها پاسخ می‌دهند. هر چند اکثر استادان روش آموزش الکترونیک را برای جواب‌دهی به دانشجو مفید تلقی می‌کردند؛ اما برخی صرفاً روش سنتی را مفید می‌دانستند. نکته‌ی جالب در این پژوهش آن بود که همه‌ی استادان در «تلفیق» این دو روش برای آموزش دانشجویان متفق‌القول بودند.

«... می‌توان از روش آموزش الکترونیک برای رفع کاستی‌های آموزش حضوری بهره گرفت...» (استاد ۵۲ ساله).

حتی استادان این دانشکده با ذکر این نکته که اگر بسترسازی‌های لازم صورت بگیرد، می‌توان هم‌زمان با جذب دانشجویان حضوری، دانشجوی غیر حضوری هم پذیرفت.

این نکته هم قابل ذکر است که از نظر همه استادان، توانایی میزان انجام کار گروهی در میان دانشجویان در آموزش الکترونیک به مراتب کمتر از شرایط غیر از آن بوده است. شاید بتوان گفت که

استادان و دانشجویان مشخص و تعریف شده بود. از جمله حضور مستمر سر کلاس درس و... اما در دوران کرونا این هنجارها و چگونگی تعریف آنها دچار تزلزل شد و همین هم باعث شد تا روابط قدرت بین استاد و دانشجو متحول شود. در حقیقت تعاملات خرد بین آنها دگرگون شد.

کرونا و خلق یک محیط ناآشنا در آموزش در این مطالعه دو بعد تولید دانش و انتقال دانش در دو شاخه استادان و دانشجویان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در حقیقت محوری-ترین ابعاد مورد توجه محققان بررسی فرایند یاددهی و یادگیری در دوران کرونا بوده است که با بررسی این دو بعد می‌توان گفت تا حدی به اهداف خود دست یافته‌ایم.

به دنبال شیوع ویروس کرونا و تغییر در محیط آموزش و یادگیری، هم استادان و هم دانشجویان با یک محیط جدید رو به رو شدند. از نظر مدرسان، این محیط می‌بایست بستر لازم را داشته باشد و در این صورت است که دارای مزایایی خواهد بود؛ اما در حال حاضر چون بنا به ضرورت، این جو برای آموزش فراهم شده است دارای کاستی‌هایی است که باعث کم انگیزه شدن استادان در امر آموزش می‌شود که در نتیجه همه‌ی آنها منتظر به پایان رسیدن این دوره‌ی پر از کاستی هستند.

در حقیقت هم دانشجویان و هم استادان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، آموزش الکترونیک را با وجود داشتن مزایایش یک دوره‌ی تلقی می‌کنند که هر لحظه امکان منحل شدن آن وجود دارد و هر لحظه منتظر بازگشت به دوران طلایی قبل از کرونا هستند.

به این ترتیب ما می‌توانیم به جرات بگوییم که در آموزش دوران کرونا با «دانشستان» مواجه بودیم. دانشستانی که چندین طرف درگیر داشت: استادان، دانشجویان، پرسنل فنی و آموزش.

از جمله مهمترین نکات مثبت در آموزش الکترونیک، دسترسی همه‌زمانه‌ی دانشجو به فایل-های درسی است. بنا به نظر استادان دانشجو می‌تواند با استفاده از مطالب بارگذاری شده در زمان-های غیر از کلاس، سؤالات و ابهامات خود را در زمان برگزاری کلاس بعدی برطرف کند.

به این ترتیب به اعتقاد اکثر استادان در حالت آموزش الکترونیک تشکیل کلاس و در واقع کمیت تشکیل کلاس بالا است؛ اما در اکثر موارد این کلاس-ها کیفیت لازم را ندارند.

#### تحول روابط قدرت در کلاس درس در دوران کرونا

از جمله مهمترین نتایج انتشار کووید ۱۹ در جهان و اثرات آن بر آموزش عالی، ایجاد تغییر در روابط قدرت بین استاد و دانشجو بوده است. در این حالت آموزشی نوین و تا حدی اجباری، حالت عمودی ارتباط بین استاد و دانشجو به حالت افقی تغییر یافته است. استفاده از وسایل گوناگون ارتباطی از جمله شبکه‌های اجتماعی در کنار استفاده از فضای مجازی آموزش باعث شده است تا دانشجو در هر لحظه امکان ارتباط با استاد خود را داشته باشد.

«... تا قبل از شرایط کرونا و آموزش مجازی ناشی از آن دانشجویان صرفاً به حالت حضوری و در زمان خاصی می‌توانستند استادان خود را ببینند و سؤالات خود را مطرح کنند... اما در آموزش مجازی دانشجو هر لحظه با ارسال پیام از طرق مختلف، می‌تواند با استادش ارتباط برقرار کند...» (استاد ۳۹ ساله).

« من ایمیل و شماره تلفن همراهم را در اختیار دانشجویان قرار داده‌ام تا بتوانند سوالات خود را مطرح کنند و به نوعی در این آموزش نوین برای دانشجویان احساس تکلیف بیشتری دارم...» (استاد ۳۹ ساله).

در این‌جا باید از تحول روابط قدرت در دانشگاه در دوران کرونا صحبت کرد. در زمان پیش از کرونا «هنجارها» یا همان «بایدها و نبایدها» برای همه



کردن فایل‌ها در این سطح مد نظر هستند. شاید به-جرات بتوان گفت که در این سطح استادان بیشتر نقطه توجه هستند؛ چرا که باید ضمن ارائه‌ی مطالب نوین علمی مهارت انتقال بهینه‌ی این مطالب به دانشجویان را داشته باشند. این نکته باید مورد تأمل باشد که محتوای الکترونیکی در دوره‌های الکترونیکی اهمیت زیادی دارد و کاربران این دوره‌ها انتظار دارند که محتوای این دوره‌ها از لحاظ علمی و به روز بودن مطالب دارای جذابیت باشند. در حقیقت مطلوب بودن و سازماندهی درست مطالب و استفاده از محتوا در بالاترین سطح و در کوتاه‌ترین زمان از جمله آپشن‌های مد نظر کاربران این محیط است (Dana et al., 2018).

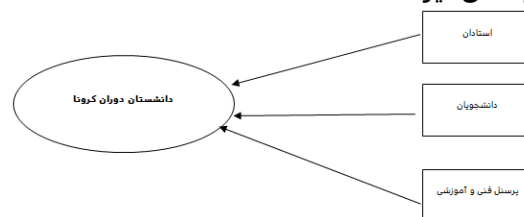
سطح سوم: سومین سطح، سطح اثربخشی است که در این سطح دانشجویان محور توجه هستند و آن‌جا که رسالت دانشگاه تعلیم دانشجویان است، سطح بسیار مهمی به شمار می‌رود؛ به عبارت ساده در این سطح استادان می‌بایست از انتقال صحیح مطالب آموزشی خود به دانشجویان اطمینان حاصل کنند.

محققان این پژوهش بر این اعتقاد هستند که با حصول موفقیت در این سه سطح می‌توان گفت که سیستم آموزش الکترونیک می‌تواند در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی حتی بعد از دوران کرونا ادامه‌ی حیات دهد.

شاید یکی از مهمترین پیشنهادهای محققان این پژوهش، آن باشد که بر روی هر کدام از این سطوح می‌توان کار پژوهشی انجام داد؛ در حقیقت این سه سطح را می‌توان کانال‌هایی تصور کرد که آموزش الکترونیک از آن‌ها عبور می‌کند و باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند.

بر اساس سطح‌بندی مذکور توان نمودار زیر را ترسیم کرد:

به اعتقاد محققان این پژوهش مطابق با تحلیل داده‌ها، هر کدام از طرف‌های درگیر در این دانشستان با کیفیت‌ها و کمیت‌های متفاوتی همراه بودند که همه این ابعاد مثبت و منفی شناسایی شده‌اند و اگر به صورت کامل برطرف شوند و کار آموزش الکترونیک به صورت کارشناسی‌شده انجام گیرد، آموزش و یادگیری در این محیط جدید به‌نحو مناسب صورت می‌گیرد.



نمودار: خلق دانشستان در دوران کرونا در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام

## بحث و نتیجه‌گیری

مطابق تحلیل‌های صورت گرفته از چگونگی تحول آموزش در دوران کرونا در دانشکده‌ی ادبیات و علوم-انسانی دانشگاه ایلام که در بین دانشجویان و استادان این دانشکده صورت گرفته است می‌توان سه سطح به شرح زیر را دسته‌بندی کرد:

سطح اول: نخستین سطح، سطح فنی و کیفیت آن است که هم برای دانشجویان و هم برای استادان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مشکلات فنی برای هر دو طرف مورد مصاحبه در این پژوهش از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. به صورت نهفته، در این سطح اهمیت چگونگی کیفیت خدمات را می‌توانیم مشاهده کنیم. از جمله مهم‌ترین آیت‌م آن «پاسخ-گویی» و رفع مشکل است که بیشتر مد نظر دانشجویان بود. استادان هم به وجود امکانات بیشتر برای آموزش الکترونیک اشاره می‌کردند.

سطح دوم: دومین سطح، سطح معنایی است که در این سطح انتقال صحیح مطالب آموزشی از طرف استادان و دریافت این مطالب از طرف دانشجویان مد نظر است. روش‌هایی مانند برگزاری کلاس و یا آپلود

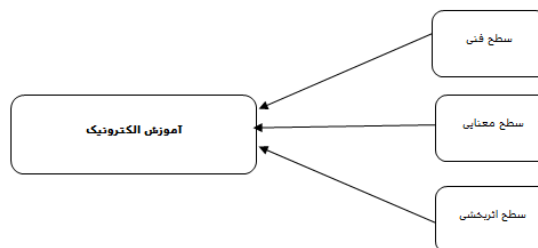
تواند توسط محققان حاضر یا سایر پژوهشگران به انجام برسد.

در راستای بحث گفته شده و مطابق با نظریه شناختی می‌توانیم بگوییم که رشد و پیشرفت سوزدها جدا از هم نیستند. این‌جا تعامل سوزدها را با هم داریم که می‌بایست بر اساس نظریه‌ی وابستگی متقابل اجتماعی و با فضای استاندارد آموزشی و با مهارت استاد در نظم و ترتیب این تعاملات علمی بتوان انتقال و اشاعه دانش را مشاهده کرد. در این خصوص باید گفت که در کنار بهره‌گیری از تجارب استادان سایر دانشگاه‌ها می‌بایست هنجارهای آموزش الکترونیک به صورت واضح، هم برای استادان و هم برای دانشجویان گفته شود؛ به عبارت ساده‌تر باید و نبایدها در هر جا از جمله در فضای آموزش الکترونیک باعث نظم و در نهایت رسیدن به هدف خواهد شد. به این ترتیب آموزش الکترونیک نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر است تا بتواند مسیر موفقیت را طی کند. این نکته در مطالعه-ی Ghasemi et al, 1395 مورد اشاره قرار گرفته است.

گفتنی است که اهمیت تعامل سوزدها با هم یعنی تعامل دانشجو با دانشجو، دانشجو با استاد، دانشجو و استاد با محیط آموزشی و... چیزی است که سایر محققان از جمله Masoumi Fard (1398)، Mustafavi et al (1395) هم به آن اشاره کرده‌اند.

به این صورت است که بی‌رمقی در بین استادان و دانشجویان را شاهد نخواهیم بود و هر دو طرف دانش با انگیزه در کلاس‌ها حاضر خواهند و کلاس‌های پر بار برگزار خواهد شد. Deng et al (2019) هم بر این اعتقاد هستند که در صورت فراهم بودن بستر، یادگیری مجازی به ساخت دانش کمک می‌کند و مسیر همگرایی هوش جمعی را هموار می‌کند. آن‌ها در مطالعه خود گفتند که هر دو طرف دانش احساس تعلق اجتماعی خوبی در مسیر پیدا می‌کنند و فرایند مشارکت در ساخت و توزیع دانش از حاشیه به مرکز برده می‌شود.

این گونه است که ما می‌توانیم بگوییم که نیازمند ساختن مدل برای آموزش الکترونیک هستیم. در مورد ضرورت داشتن مدل آموزشی باید گفت که از آنجایی که آموزش فعالیتی نظام‌مند یا سیستمی و در عین حال



نمودار: سطوح الگودار بر آموزش الکترونیک در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ایلام

در آموزش الکترونیک اگر شرایط برقرار باشند می‌توان مطابق با تئوری ساختارگرسیم پیش رفت. یعنی استاد تنها منبع آموزشی او نخواهد بود و دانش‌آموز از حالت انفعال و منتظر استاد ماندن خارج می‌شود و خودش هم در کنار معلم است. معلم برای او چراغ راه است. این گونه است که دانشجویان از حالت «بانک مانند» خارج می‌شوند و با خروج دانشجو از این حالت، توانایی‌های آن‌ها بروز می‌کنند و شاهد خلاقیت‌های آن‌ها در عرصه‌های مختلف علمی خواهیم بود. به این ترتیب یکی از نتایج مثبت آموزش الکترونیک همین مورد است. شاید به جرات بتوانیم عنوان کنیم که خروج دانشجو از حالت بانک مانند در آموزش الکترونیک از جمله مهمترین نتایج این پژوهش است که در هیچ کدام از پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه به آن نرسیده‌اند. پیشنهاد ما این است که حتماً محققان در پژوهش‌های آتی شرایط بروز این‌گونه دانشجو در دانشگاه را مورد بررسی قرار دهند؛ چه بسا با داشتن دانشجویانی از این دست بتوانیم شاهد بروز خلاقیت‌ها و موفقیت‌های بیشتر دانشجویان باشیم. به این ترتیب دانش در ابعاد جدید ریشه‌های خود را می‌گستراند.

نتیجه دیگر آن که در حالت آموزش حضوری، سنتی و چهره به چهره، تعلیم با تربیت همراه است؛ اما در محیط آموزش الکترونیک شرایط تربیتی دانشجویان با مشکل مواجه می‌شود. اخلاق و رفتار استادان برای دانشجویان حکم الگو را دارد که در آموزش سنتی از آن الگوبرداری می‌کنند؛ اما در آموزش الکترونیک این امکان به شدت از بین می‌رود. در حقیقت بعد غیر رسمی آموزش عملی نمی‌شود و تعلیم با تربیت همراه نیست. به اعتقاد ما این یک مسئله قابل پژوهش است که می‌

گیرند که مانند یک دوست در کنار آن‌ها قرار دارد؛ به عبارتی تعاملات خرد میان استاد و دانشجو به واسطه استفاده از انواع راه‌های ارتباطی مجازی و در اوقات غیر از اوقات برگزاری کلاس، بیشترین حالت ممکن را به خود گرفته است و همین امر هم باعث ارتباط صمیمانه بیشتر در بین استاد و دانشجو شده است. امیدواریم بنا به نتایج این مطالعه بتوان عوامل زمینه‌ای در این خصوص را هم تغییر داد و رضایت صد در صدی استادان و دانشجویان در این خصوص را به دست آورد. Al-Farihat (2020) در مطالعه خود اینگونه رضایت‌های دانشجویان از شرایط آموزش و رضایت از سایر بخش‌های آموزش را مهم و تاثیرگذار تلقی کرده است.

در نهایت باید گفت که به طور کلی در طی چند دهه گذشته، کارشناسان و صاحب‌نظران آموزشی بر آموزش عالی چند الگویی تاکید می‌کنند که یکی از ابعاد آن الگوی دو گانه حضوری و نیمه‌حضوری است. از جمله پیامدهای این چرخش به ویژه تحت تاثیر روندهای جاری در عصر اطلاعات و جهانی‌شدن، باید به روند «مجازی‌شدن» تاکید کرد. محیط جهانی از حالت جاده‌های بین‌شهری و تردد فیزیکی با خودرو، کشتی، هواپیما و ارتباط فیزیکی با وسایل قدیمی مانند پست و تلگراف و تلفن و رسانه‌هایی همچون رادیو و تلویزیون و حتی ماهواره، فراتر رفته است و به مدد انقلاب الکتریکی و رایانه‌ها و اینترنت و ظهور دهکده‌ی جهانی - شبکه‌ای، امروزه دیگر به فضایی تبدیل شده است که اطلاعات در آن سوار بر امواج با سرعت فوق‌العاده، به صورتی بسیار مجازی در جریان و همواره «برخط» هستند و کاربران اطلاعات از هر نقطه‌ای می‌توانند در کل این محیط مجازی و فضاها و مکان‌های مجازی، به فناوری اطلاعات و ارتباطات بپردازند و تعامل و مشارکت بورزند. این تحول شگرف، مفهوم و سرمشق‌ها و ساختارهای سنتی آموزش عالی و دسترسی به آن‌ها را به چالش فرا می‌خواند (Farastkhah, 1389).

سیستماتیک (مرحله‌ای) است، بنابراین برای اثربخشی آن به چارچوب مشخص و در عین حال انعطاف‌پذیر نیاز است تا اهداف آموزشی محقق شوند (Zarei Zovarki, 1391) پس «طراحی آموزشی فرایند سیستماتیک برنامه‌ریزی کلیه رویدادها برای تسهیل یادگیری است». در این فرایند سیستماتیک، مجموعه‌ای از عناصر کلیدی دخیل هستند که عبارت‌اند از: «شناسایی مسائل و مشکلات آموزشی، بررسی ویژگی‌های یادگیرنده، شناسایی محتوای موضوع، تعیین اهداف آموزشی، توالی محتوا در هر واحد آموزشی برای یادگیری منطقی، تعیین استراتژی‌های آموزشی، تعیین پیام آموزشی و توسعه‌ی آموزش، تهیه‌ی ابزارهای ارزشیابی، انتخاب منابع برای حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های آموزشی و یادگیری». این عناصر به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری مدل‌های طراحی آموزشی و محیط‌های یادگیری مطرح هستند (Zarei Zovarki, 1391) محققان مطالعه‌ی حاضر معتقدند که همه‌ی این عناصر می‌بایست در قالب یک برنامه آموزشی برای آموزش الکترونیک عنوان شوند و برای رسیدن به این مهم نیازمند مشاوره‌های علمی از متخصصان حوزه‌های مختلف هستیم.

در خصوص تحول روابط قدرت استاد و دانشجو، محققان این پژوهش بر این اعتقاد هستند که در محیط آموزش الکترونیک روابط میان استاد - دانشجو دموکراتیک‌تر شده است و از این نظر وضعیت مناسبی است؛ به عبارت ساده‌تر در شرایط کرونایی روابط قدرت در آموزش یعنی روابط قدرت بین استاد و دانشجو تغییر پیدا کرد و شرایط از حالت عمودی به حالت افقی تغییر یافت. شاید بتوان گفت که روابط انسانی نابرابر و شاید ناعادلانه در آموزش جای خود را به روابط مثبت داده است. این نتیجه هم یکی از نتایج مثبت این پژوهش بوده است که باعث بهبود فرایند یاددهی و ویژه بهبود فرایند یادگیری می‌شود. بنا به اظهارات دانشجویان ارتباط فارغ از قدرت با استاد باعث می‌شود که آن‌ها به بهترین نحو ممکن درس را از استادی فرا

استاد ایجاد شود که در آموزش یک طرفه الکترونیک این فرصت از بین می‌رود. از آنجایی که «سهولت استفاده» هم از طرف دانشجویان و هم از طرف استادان پرمصرف‌ترین معیار در «کیفیت سیستم» به شمار می‌رود، بسترسازی‌های لازم باید در این راستا صورت پذیرد و چه بسا استفاده از تجربیات دانشگاه‌هایی چون پیام نور می‌تواند راهنمای مؤثری به شمار رود.

بنا به تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که «کیفیت سیستم» عنصر مهمی برای استادان و دانشجویان است. شاید بتوان گفت در این‌جا وظیفه‌ی بخش فنی سنگین‌تر است؛ بنابراین، توصیه می‌شود که کادری با دانش فنی مناسب و مرتبط می‌تواند راه‌حل مسئله باشد. در حقیقت پیشرفت یادگیری الکترونیک در دانشگاه‌ها تحت تأثیر پشتیبانی فنی قرار دارد (Pekar et al, 2010).

در زمینه‌ی بحث گفته‌شده و بنا به نتایج به دست‌آمده پیشنهاد می‌کنیم که در سطح کیفیت اطلاعات، کیفیت سیستم و کیفیت سنجش مطالعاتی به صورت کمی یا کیفی صورت گیرد تا میزان رضایت استادان و دانشجویان در هر کدام از این سطوح به دست آید.

برای بحث ارزیابی دانشجویان و عدم تقلب در روش آموزش مجازی پیشنهاد این پژوهش استفاده از «روش‌های تلفیقی» برای آزمون است. در این صورت استاد با استفاده از روش‌های مختلف و تخصیص نمره به هر کدام از آن‌ها به‌ویژه اختصاص نمره به پروژه‌های مسئله‌محور برای دانشجو، از ارزیابی صحیح دانشجو و عدم تقلب در آن‌ها تا حد زیادی اطمینان حاصل می‌کند. همان‌گونه که پیشتر اشاره کردیم، نهادینه شدن تئوری ساختاریسم در دانشگاه‌ها باعث فعال شدن دانشجویان خواهد شد. در این زمینه، نیازمند در نظر گرفتن مزایایی برای دانشجویان فعال هستیم که انگیزه‌ای برای فعالیت‌های آن‌ها باشد.

این یک واقعیت است که شرایط اضطراری ناشی از شیوع ویروس کرونا باعث شد تا دانشگاه‌ها در بحث آموزش در چندین ترم گذشته کاملاً سلیقه‌ای و متنوع عمل کنند؛ چرا که صرفاً هدف برقراری آموزش‌ها با

بر اثر روند مجازی‌شدن آموزش عالی، سرمشق‌های قدیمی آموزش عالی به چالش خوانده می‌شوند و سرمشق‌های تازه‌ای در حال تکوین‌اند. بدین ترتیب چنان‌چه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ما خود را سریعاً با تحولات فناوری اطلاعات و ارتباط و روند مجازی‌شدن (مثل دوره‌های مبتنی بر شبکه و...) همگام نسازند به «موزه‌های تاریخی آموزش عالی» تبدیل خواهند شد. آموزش‌های متداول قبلی، موضوع‌محور و شناخت‌محور هستند؛ در حالی که سرمشق‌های نوین، فرایند‌محور و ارتباط‌محور هستند. الگوهای بسته و یکسویه آموزشی (انتقال یک‌طرفه و عمودی اطلاعات از استاد به دانشجو) در حال گذار به الگوهای باز و دوسویه و تعاملی افقی از تبادل آزاد اطلاعات است. مدل یک مدرس با چندین دانشجو جای خود را به چندین مدرس با چندین دانشجو می‌دهد و باید به جای جزوه‌ی استاد از سناریوی یک درس با گروهی از بازیگران سخن گفت و به جای مدیریت درسی توسط یک استاد، مدیریت درسی توسط گروهی آموزشی - پژوهشی با ترکیب متنوعی از تخصص‌ها، نیمه‌تخصص‌ها و تخصص‌های بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای سخن به میان آورد (Farastkhah, 1389).

### پیشنهادات

ارتباط یک‌سویه استاد/ دانشجو در آموزش الکترونیک باعث می‌شود تا حالت مفید بودن کلاس‌های چهره‌به‌چهره در این صورت از آموزش از بین رود و استادان و دانشجویان هم مرتباً افسوس آموزش سنتی را می‌خورند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که آموزش‌ها به حالت «مسئله‌محور» و «پژوهش‌محور» درآیند. در این حالت استاد متکلم وحده نیست و ارتباط سیر دو طرفه دارد که مذاکره در آن قابل تعریف است و مفاهیم از حالت انتزاعی بیرون می‌آید. از سوی دیگر باید این واقعیت را پذیرفت که در آموزش حضوری سؤالات احتمالی برخی از دانشجویان باعث بروز ایده‌هایی نو و ابداعات جدیدی برای استادان می‌شود که در آموزش مجازی این وضعیت از بین می‌رود. به عبارتی افق‌های علمی تازه و یا زوایای جدیدی ممکن است برای

شرایط خوبی است و صرفاً نیاز به مدیریت قوی در جهت هماهنگ کردن آن‌ها در مسیر گسترش آموزش فناورانه است. از آنجایی که منظور از آموزش الکترونیکی آن است که آموزش چهره به چهره و حضوری به حالت آموزش مجازی تغییر کند، پس می‌بایست تمامی امکانات این تحول هم دگرگون شوند و در سایه‌ی اتحاد و همدلی با هم به نتیجه واحد رسید. امید است که با نتایج حاصل از این مطالعه و همین‌طور مطالعات صورت گرفته‌ی دیگر، تهدیدهای کرونا در آموزش را به فرصت‌های بهینه بتوان تبدیل کرد.

حداقل آسیب‌های ناشی از کرونا برای سلامت یاددهنده‌ها و یادگیرنده‌ها مد نظر همه مراکز آموزش بود. همه‌ی مراکز دانشگاهی هم با چالش‌ها و نقاط مثبت و منفی زیادی در این ترم‌های تحصیلی مواجه شدند و اکنون نیاز است که همه‌ی تجارب با هم جمع شوند و با همراهی کارشناسان و متخصصان از دل همه این درس‌های تجربی به بهترین راهکارها برسند. ذکر این نکته هم لازم است که شرایط امروز ایجاب می‌کند که توسعه‌ی آموزش الکترونیکی فقط بر عهده‌ی وزارت علوم یا وزارتخانه خاصی نباشد و به‌نوعی نیاز به بسیج همه نهادها و دستگاه‌های مرتبط است که در این زمینه همکاری مناسبی داشته باشند. به‌ویژه که کشور ما از نظر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارای

## References

- Al-Fraihat. Dimah , Joy. Mike , Masa'deh. Ra'ed , Sinclair. Jane(2020). "Evaluating E-learning systems success: An empirical study". Department of Computer Science, University of Warwick, United Kingdom.
- Atshak, Mohammad (1386). "Theoretical and practical basics of e-learning". Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 43.
- Dana, Ali, HatamiT Javad and Maleki, Maede(2018). ' Evaluation of the Quality of provided Instruction in E-Learning Center of Tarbiat Modares University (TMU) from Students' and Educational Experts' Point of View". Quarterly Journal of Iranian Distance Education (IDEJ). Vol. 1, No 3, Winter 2018 (P 29-38), Payame Noor University.
- Deng . Yazhong , Sun. Wei , Chen. Min , Yang. Yuan(2019) "Knowledge management and e-learning in virtual learning community based on social network analysis", Library Hi Tech, <https://doi.org/10.1108/LHT-11-2018-0170>
- Farastkhah, Maqsood (2009). "Virtualization of teaching and learning environments, paradigmatic changes and cultural requirements". Bargh Farhang, new period, number 21. From page 86 to page 102.
- Ghasemi, Maryam, Fardanesh, Hashem, Hatami, Javad, Ahmadi, Suleiman (2017). "Evaluation of the electronic learning system of medical education) case study of the faculty of medical education". Journal of Education Strategies in Medical Sciences. Volume 11. Number 4. October and November 1997.
- Glaser. Barney and Anselm Strauss,(1967)."Discovery of Grounded Theory", A Division of Transaction Publishers.
- Jalali, Rostam (1391). "Sampling in qualitative research". Journal of qualitative research in health sciences. Volume 1, Number 4.

- Kian, Maryam, Attaran, Mohammad and Fazeli, Nematullah (2009). "Analysis of e-learning culture in Iranian universities: a grounded theory research". Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies, 7th year, number 24.
- Kiger. Michelle E. , Varpio. Lara(2020). " Thematic analysis of qualitative data: AMEE Guide No. 131". Medical Teacher, DOI: 10.1080/0142159X.2020.1755030
- M. Samir Abou El-Seoud et al(2014). " E-Learning and Students' Motivation: A Research Study on the Effect of E-Learning on Higher Education". International Journal of Emerging Technologies in Learning (IJET) Vol. 9(4):20-26
- Mahdiun, Ruhollah (1390). "The quality of learning in university e-learning centers; A qualitative study". Journal of academic librarianship and information research. Year 45. Number 58. Winter 2019.
- Masoumi Fard, Marjan (2018). "Study of the relationship between types of interaction in e-learning with the quality of collaborative learning (case study: Master's students in environmental education). Scientific Quarterly of Environmental Education and Sustainable Development. Year 7, Number 3. Spring 2018.
- Mohammadpour, Ahmed. 1392. "Qualitative research method against method 1 and 2" (Logic and design in qualitative methodology) Volume 1 and 2. Tehran: Sociologists Publications
- Mustafavi, Zainab Al-Sadat, Kamal Kharazi, Seyed Alinqi, Narenji Thani, Fatemeh (2015). "Investigating the level of student interaction in the e-learning environment (case study: Mehr Alborz Institute of Higher Education)". Two scientific-research quarterly "Education and Learning Studies". Term 13. Number 1. Spring and Summer 2015
- Paechter. Manuela, Maier. Brigitte, Macher. Daniel(2010)." Students' expectations of, and experiences in e-learning: Their relation to learning achievements and course satisfaction". Computers & Education 54 (2010) 222-229.
- Sharâpour, Mahmoud (2014). "Sociology of Education". Tehran, Samit Publications.
- Symeonides. Roberta , Carrie. Childs(2015). " The personal experience of online learning: An interpretative phenomenological analysis". Computers in Human Behavior 51 (2015) 539-545
- Tayyibi Abolhasani, Seyyed Amirhossein (2018). "Introduction to research method: standard procedures of qualitative data analysis". Science and Technology Policy Quarterly. Volume 9, Number 2, Summer
- Wong. Mei-Yee(2014). "Teacher-student power relations as a reflection of multileveled intertwined interactions". British Journal of Sociology of Education.
- Zarei Zawarki, Ismail (2011). "Educational design and learning environments with an integrated approach: a critique of previous models. Will is a new model in this field. Educational psychology quarterly, 24(8): 48-63.